

## مبحث دوم: معاون جرم

«معاون جرم» کسی است که بدون مداخله‌ی مستقیم در عملیات اجرایی، به یکی از صور پیش‌بینی شده در قانون، مباشر اصلی جرم را در وقوع جرم کمک نماید.

### گفتار اول: عناصر معاونت در جرم

معاونت در جرم دارای سه عنصر قانونی، مادی و معنوی است که در ادامه به بررسی این موارد می‌پردازیم.

#### الف) عنصر قانونی معاونت

**مطلب ۱-** عنصر قانونی معاونت در جرم، ماده ۱۲۶ ق.م.ا می‌باشد که در صورت ارتکاب هر یک از موارد مذکور از سوی فردی، معاونت محقق خواهد شد؛ البته منوط به:

۱- رفتار مباشر، جرم باشد: برای اینکه عمل معاون، قابل مجازات باشد، باید عمل مباشر، جرم باشد؛ چرا که در نظام کیفری ایران، **مسئولیت معاون در جرم به مسئولیت مجرم اصلی وابسته است** (مجرمیت عاریه‌ای). بر این اساس، در صورتی که عمل مباشر، جرم نباشد، عمل معاون نیز جرم نخواهد بود و قابل مجازات نیست. به عنوان مثال، از آنجایی که خودکشی بر اساس قوانین جزایی ایران جرم نمی‌باشد، بنابراین معاونت در آن نیز جرم نمی‌باشد. (اردبیلی، همان، ج ۲، ص ۹۵؛ گلدوزیان، همان، ص ۲۱۴؛ صانعی، همان، ص ۵۶۳) البته قابل ذکر است که مقنن برای یک مورد، معاونت در خودکشی را به عنوان **جرم مستقل**، جرم‌انگاری نموده است و آن هم معاونت در خودکشی از طریق سامانه‌های رایانه‌ای است که این امر در ماده ۷۴۳ قانون تعزیرات (ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای) بیان شده است.

همچنین در صورتی که یکی از عوامل موجهه، عمل مباشر را از جرم بودن خارج نماید، عمل معاون نیز جرم نخواهد بود. به عنوان مثال، در مورد دفاع مشروع در صورتی که فردی دیگری را تحریک به دفاع نماید و مرتکب در جهت دفاع، آسیبی به مجنی‌علیه وارد نماید، از آنجایی که عمل مرتکب، جرم نمی‌باشد، عمل تحریک‌کننده (معاون) نیز جرم نیست، و یا در مورد نسخ مجازات قانونی که به موجب آن، رفتاری که در گذشته جرم بوده است، به موجب قانون لاحق، جرم نمی‌باشد؛ در نتیجه، باعث صدور قرار موقوفی تعقیب برای مباشر خواهد شد (چراکه نسخ مجازات قانونی به موجب ماده ۱۳ ق.آ.د.ک موجب صدور قرار موقوفی است) در مورد معاون نیز به اجرا درخواهد آمد و در نتیجه، معاونت در این قبیل جرایم نیز جرم به شمار نخواهد آمد. همین حکم درباره کسانی که از مصونیت خاصی برخوردارند و مصونیت مذکور، مانع تعقیب و مجازات آن‌ها است نیز صادق است؛ مانند پدر یا جد پدری که مال فرزند خود را به سرقت می‌برد (بند «ج» ماده ۲۶۸ ق.م.ا) که در اینجا معاون پدر یا جد پدری به تبع فعل اصلی، از تعقیب و مجازات معاف است. (اردبیلی، همان، ج ۲، ص ۹۷-۹۶) البته برخی از حقوق‌دانان معتقدند در این مورد، مصونیت تأثیری بر تعقیب و مجازات معاون جرم ندارد، لیکن معاون جرم به عنوان معاونت در سرقت حدی، قابل تعقیب و مجازات است، مگر آنکه مقنن حکم خاصی در این زمینه مقرر کرده باشد؛ مانند تبصره ۲ ماده ۱۲۷ ق.م.ا. (شمس ناتری، همان، ص ۳۱۸)

۲- ارتکاب جرم توسط مباشر یا شروع به اجرای آن: تا زمانی که مباشر دست به ارتکاب جرم نزند، عمل معاون به صرف انجام مصادیق معاونت، جرم نخواهد بود، مگر در مواردی که معاونت به عنوان جرم مستقل شناخته شده باشد، که برخی از این موارد عبارتند از:

- ۱-۲. بند «ب» ماده ۶۳۹ قانون تعزیرات: «کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید.»
- ۲-۲. ماده ۵۱۲ قانون تعزیرات: «هر کس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور، به جنگ و کشتار یا یکدیگر اغوا یا تحریک کند، صرف‌نظر از اینکه موجب قتل یا غارت بشود یا نشود، به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد.»

از سوی دیگر، لازم نیست که عمل اصلی به صورت کامل ارتکاب یافته باشد تا مجازات معاونت مصداق پیدا کند، بلکه چنانچه این عمل از مرحله تهیه مقدمات گذشته و عنوان شروع به جرم را پیدا کند، معاونت در آن، مجازات خواهد داشت. بر این اساس می‌توان گفت: معاونت در شروع به جرم، مجازات دارد، ولی شروع به معاونت، مجازات ندارد، مگر آنکه رفتار معاون به عنوان جرم مستقل شناخته شده باشد، که در این صورت، این رفتار نه به عنوان معاونت، بلکه به عنوان جرم مستقل که شروع به آن نیز جرم است، قابل مجازات خواهد بود؛ مانند کسی که برای سهولت دسترسی دیگران به محتویات گاوصندوق بانک، قصد تخریب آن را داشته باشد و در اثنای شکستن قفل، دستگیر شود، که در این مورد، به اتهام شروع به جرم تخریب، قابل تعقیب خواهد بود، و یا کسی به قصد کمک به سرقت مسلحانه‌ی گروهی، اقدام به تهیه و حمل سلاح می‌نماید، ولی اساساً از ارائه اسلحه به گروه منصرف شود، که در این مورد، از آنجایی که حمل اسلحه جرم می‌باشد، حامل به دلیل اسلحه مجازات می‌شود، ولی موضوع معاونت و شروع به معاونت در سرقت مسلحانه‌ای که حتی شروع نشده است، منتفی است.

(اردبیلی، همان، ج ۲، ص ۹۶؛ گلدوزیان، همان، ص ۲۱۵؛ شمس ناتری، همان، ص ۲۹۶)

\* مقنن در موارد محدودی شروع به معاونت در برخی جرایم را جرم‌انگاری نموده است (بند ث ماده ۴۷ ق.م.ا) که عبارتند از:

۱- شروع به معاونت در قتل عمد

۲- شروع به معاونت در محاربه

۳- شروع به معاونت در افساد فی الارض

(ب) عنصر مادی معاونت

**مطلب ۱-** معاونت با یکی از افعال مذکور در ماده ۱۲۶ ق.م.ا محقق می‌شود، که بر این اساس، موارد ذیل را در این باره می‌توان بیان نمود:

۱- لزوم فعل مثبت: معاونت با ترک فعل واقع نمی‌شود. بر این اساس، خودداری از انجام عمل را نمی‌توان به عنوان معاونت در جرم، تعقیب نمود. به عنوان مثال، در صورتی که فردی برای سرقت از منزل غیر، وارد منزل او شود و همسایه بزه‌دیده، سارق را مشاهده نماید، لذا هیچ اقدامی برای جلوگیری از سرقت انجام ندهد، نمی‌توان وی را به عنوان معاون، تحت تعقیب قرار داد، و یا سکوت مأمور نیروی انتظامی در قبال سرقتی که مأمور دیگر در حضور او مرتکب می‌شود، معاونت در جرم سرقت نیست، و یا کسی در حضور دیگری مرتکب قتلی شود و شخص حاضر، با امکان جلوگیری، سکوت اختیار کند، شخص حاضر مستوجب هیچ‌گونه مجازاتی نیست، و یا در صورتی که یکی از دو نفر همکار اداری، مرتکب اختلاس شود و دیگری با علم و اطلاع، سکوت اختیار کند و گزارش ندهد، عمل او را نمی‌شود معاونت تلقی نمود.

البته لازم به ذکر است که مقنن، خودداری از انجام برخی اعمال را به عنوان جرم مستقل پیش‌بینی نموده است؛ مانند قانون خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی.

**معاونت در جرایم ترک فعل، قابل تحقق می‌باشد؛** مانند اینکه فردی دیگری را به ترک نفقه همسرش تحریک نماید و دیگری نیز جرم ترک نفقه را مرتکب شود، که در این مورد، معاونت در جرم محقق شده است.

۲- عمل معاون باید در وقوع جرم مؤثر باشد: به این معنا که بین عمل معاون و عمل مباشر باید رابطه‌ی علیت وجود داشته باشد. بنابراین در صورتی که کسی تفنگی برای کشتن دیگری، به مرتکب بدهد، ولی مرتکب با چاقو او را بکشد، معاونت در قتل عمدی محقق نشده است.

۳- تقدم یا تقارن زمانی عمل معاون با عمل مباشر: به طور کلی برای اینکه معاونت در جرم محقق شود، باید عمل معاون قبل یا هم‌زمان با عمل مباشر صورت پذیرد. بر این اساس، اعمال ارتكابی بعد از وقوع جرم، معاونت نخواهند بود. البته ممکن است جرم مستقلی باشد؛ مانند تحصیل یا قبول یا مورد معامله قرار دادن یا اخفای اموال مسروقه (ماده ۶۶۲ قانون تعزیرات)، هرچند بین سارق و متهم جرم مزبور، تبانی قبلی بر سرقت اموال باشد. (گلدوزیان، همان، ص ۲۱۸) البته معاونت با ارتکاب افعالی نظیر: تحریک،

ترغیب، تهیه وسایل ارتکاب جرم و ... پس از وقوع جرم، ناممکن و با منطبق ماده ۱۲۶ مغایر است، ولی ممکن است برخی از اشکال کمک به مرتکب جرم اصلی که وقوع جرم را تسهیل می‌کند، پس از ارتکاب جرم، معاونت به شمار آید. به عنوان مثال، فعل راننده‌ای که در بارگیری و حمل اثاث و لوازم منزل به دزدان کمک رسانیده، به شرط توافق پیشینی، معاونت محسوب می‌شود، ولی اگر فعل مذکور، پس از ارتکاب جرم واقع شود، حتی با فرض علم و آگاهی راننده به مسروقه بودن اموال، کمک او هیچ‌گاه عنوان معاونت ندارد. به طور کلی، زمان وقوع جرم معاونت و تعیین اوصاف افعالی که پیش یا پس از جرم اصلی ارتکاب یافته، لحظه‌ای است که وحدت قصد بین معاون و مرتکب جرم اصلی به وجود آمده باشد. (اردبیلی، همان، ج ۲، ص ۱۱۲-۱۱۱)

#### پ) عنصر معنوی معاونت

**مطلب ۱-** بر ای تحقق معاونت در جرم، علم و عمد معاون، لازم است. بر این اساس:

۱-۱- در صورتی که معاون نداند که قصد دیگری از تهیه چاقو و یا اسلحه، ارتکاب جرم می‌باشد، معاونت محقق نمی‌شود.  
۱-۲- در صورتی که معاون، اکراه به کمک نمودن مرتکب جرم اصلی شده باشد، بدون آنکه قصدی داشته باشد، معاونت محقق نمی‌شود.

**مطلب ۲-** باید بین عمل معاون و مباشر، وحدت قصد وجود داشته باشد. بنابراین در صورتی که مباشر، جرمی غیر از جرم مقصود، مرتکب شود، معاونت محقق نمی‌شود. به عنوان مثال، فردی وسیله‌ای را در اختیار دیگری برای ارتکاب سرقت قرار دهد، ولی مباشر به جای سرقت، مرتکب قتل با این وسیله شود، در این مورد، معاونت محقق نمی‌شود.  
**مطلب ۳-** در جرایم غیر عمدی، معاونت در جرم، محقق نیست.

#### گفتار دوم: مبانی مسئولیت معاون جرم

در مورد مبانی مسئولیت معاون جرم، سه دیدگاه وجود دارد:

##### الف) نظریه مسئولیت کیفری مستقل

طبق این نظریه، مصادیق معاونت، به عنوان جرم مستقل در نظر گرفته می‌شوند و برای هر یک مجازات خاصی بیان می‌شود.

##### ب) نظریه مسئولیت کیفری عاریتی

این نظریه دو قسم دارد:

- سیستم عاریه‌ای مطلق: معاون همان قدر مسئول است که مباشر مسئول است.
- سیستم عاریه‌ای نسبی: مجازات معاون متناسب با مجرم اصلی است، ولی میزان آن کمتر از مجازات وی می‌باشد.

##### پ) نظریه تلفیقی

مجازات معاونت در برخی موارد، مستقل و در برخی موارد، عاریه‌ای می‌باشد.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نظریه تلفیقی را پذیرفته است.

## مواد مربوط به معاونت در جرم

ماده ۱۲۶ ق.م.ا: «اشخاص زیر، معاون جرم محسوب می‌شوند:

الف) هر کس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

ب) هر کسی وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

پ) هر کس وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره: برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم، شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است، مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود.»

**نکته ۱-** معاونت از طریق اعمالی که در بندهای ماده‌ی ۱۲۶ ق.م.ا بیان شده است، محقق می‌شود. به عبارت دیگر، مصادیق مذکور در این ماده، **حصری هستند**، نه تمثیلی که بتوان اعمالی غیر از اعمال مذکور در این ماده را معاونت محسوب نمود.

**نکته ۲-** «ترغیب» عبارت است از: هر عملی که باعث ایجاد میل و آرزو در مباشر شود، به گونه‌ای که مباشر را به ارتکاب جرم مصمم کند. اینکه برای ترغیب از چه وسیله‌ای استفاده شود، اهمیتی ندارد و صرف اینکه ترغیب باعث ارتکاب جرم از سوی فرد شود، کفایت می‌کند. به عنوان مثال، زنی که با دادن پول به دیگری یا با دلربایی کردن از دیگری و یا حتی خودفروشی، دیگری را وادار به قتل شوهرش کند، در صورت وجود وحدت قصد، معاونت در جرم محقق شده است.

\* **عمل ترغیب، امری نسبی می‌باشد** که ممکن است عمل خاصی در یک نفر موجب ترغیب گردد، ولی بر دیگری هیچ تأثیری نداشته باشد.

\* **عنوان معاونت در جرم از طریق ترغیب، زمانی مصداق دارد که ترغیب اثر مستقیم در مجرم برای ارتکاب جرم داشته باشد**، در غیر این صورت، در صورتی که فقط موجب ظهور حس کینه، حسادت و عدوات در مباشر جرم گردد و همین خصوصیات باعث ارتکاب جرم شوند، از آنجایی که این ترغیب، علت مستقیم ارتکاب جرم نبوده، ترغیب‌کننده، معاون جرم نخواهد بود.

**نکته ۳-** تهدید: منظور از تهدید، این است که شخص بر اثر ترس و ارعاب، مرتکب جرم شود که این ترس و ارعاب ناشی از فعل تهدیدآمیز معاون می‌باشد. به عنوان مثال، فردی که دیگری را تهدید نماید که اگر مرتکب جرم سرقت از منزل شخص مدنظر وی نشود، فرزند او را خواهد کشت، در صورت ارتکاب جرم سرقت، تهدیدکننده، معاون در این جرم خواهد بود.

\* **تهدید، امری نسبی می‌باشد و تحقق آن، به شرایط و اوضاع و احوال تهدیدکننده و تهدیدشونده بستگی دارد.** بر این اساس، در صورتی که پیرمردی ضعیف به جوانی قوی بگوید: اگر فلانی را نکشی، تو را کتک می‌زنم، تهدید تلقی نمی‌شود. در این صورت، احراز تهدید به عهده‌ی قاضی می‌باشد. باید به این نکته توجه نمود که در صورتی که تهدید از حد مشخصی تجاوز کند و شخص تهدیدشونده بر اثر تهدید، اکراه به ارتکاب جرم شود، ممکن است مشمول حکم اکراه مذکور در ماده‌ای ۱۵۱ ق.م.ا شود؛ چرا که در تهدید به عنوان عنصر مادی معاونت، مرتکب جرم با رفتار و اختیار کامل، به ارتکاب جرم دست می‌زند.

\* در تحقق تهدید، نوع رفتار تهدیدآمیز، چه تهدید گفتاری یا نوشتاری، هیچ‌گاه شرط نیست و فقط کافی است شخصی که به زیان‌های مالی یا خطرهای جانی یا ناموسی و یا شرفی علیه خود یا خویشاوندان نزدیک، تهدید شده، برای رهایی از نگرانی، به ارتکاب جرم، رضا دهد. بنابراین در تهدید موضوع این ماده، هرچند فاعل بر خلاف میل باطنی، دست به ارتکاب جرم زده باشد، لکن قصد و اراده هیچ‌گاه از او سلب نشده است.

**نکته ۴-** تطمیع: تطمیع در واقع، نوعی از ترغیب می‌باشد، با این تفاوت که در تطمیع، فقط جنبه‌ی مالی مطرح می‌باشد، در حالی که ترغیب ممکن است با استفاده از انگیزه‌های مادی یا معنوی، مصداق پیدا کند.

\* تطمیع ممکن است به صورت دادن مال یا وجه باشد و یا به صورت وعده‌ی دادن مال یا وجه. بر این اساس، در صورتی که وعده‌ی پرداخت مالی برای ارتکاب جرمی داده شود و جرم به دلیل این وعده ارتکاب یابد و مال بعد از ارتکاب جرم پرداخت شود، معاونت در جرم محقق شده است.

**نکته ۵-** تحریک: هر نوع عملی است که مرتکب جرم را مصمم به ارتکاب آن جرم نموده است. برای آنکه تحریک به ارتکاب جرم، معاونت قلمداد شود، باید دارای شرایط زیر باشد:

۱- تحریک باید منجز و مستقیم باشد: یعنی از طریق تحریک، فکر ارتکاب جرم معین و مشخص به مرتکب جرم القا شود. به عبارت دیگر، تحریک مستقیم، فکر ارتکاب جرم را به طور آشکار به مرتکب جرم، از طرف معاون القا می‌کند، در صورتی که تحریک غیرمستقیم صرفاً باعث می‌شود که مرتکب، عواطف و کینه‌ی خود را به زبان آورد؛ به عنوان مثال، فردی به دیگری بگوید: تو قدرت فلان کار را نداری، در اثر این حرف، فرد تحریک شده و باعث ارتکاب جرمی شود، که در این مورد، معاونت محقق نمی‌شود، و یا کسی در مقام تمجید از ثروت و ثروتمند شدن بگوید: «انسان باید به هر طریق شده، ولو از طریق سرقت، ثروتمند گردد»، در صورت تحریک شدن فرد، معاونت محقق نمی‌شود. همچنین گفتن «فلانی برای زیر ساطور خوب است»، تحریک محسوب نمی‌شود.

۲- تحریک باید فردی باشد: به این معنا که تحریک‌کننده باید شخص خاص و معینی را برای ارتکاب جرم مشخص، تحریک نماید، در غیر این صورت، تحریک نمی‌باشد. به عنوان مثال، شخصی در روزنامه، جماعتی را به قتل و غارت و سرقت تحریک نماید و جماعت تحریک‌شده نیز این اعمال را انجام دهند. عمل محرک را نمی‌توان معاونت در جرم دانست؛ هرچند این مورد بر مبنای ماده‌ی ۵۱۲ قانون تعزیرات، جرم مستقلی می‌باشد.

۳- تحریک باید مؤثر باشد: یعنی بر اثر تحریک، شروع به اجرای جرمی اتفاق بیفتد یا جرمی واقع شود. به عنوان مثال، در صورتی که زنی به دیگری سم بدهد که به شوهر سابق او بخوراند، ولی هیچ عملی از دیگری سرزنند، هرچند عمل زن در معاونت، تمام است، ولی چون جرمی اتفاق نیفتاده، معاونت محقق نشده است.

**نکته ۶-** دسیسه یا فریب: به معنای به کار بردن مکر و حيله‌ای که باعث ارتکاب جرم از سوی دیگری شود، که ممکن است:

۱- بر مباشر جرم تأثیر بگذارد: به عنوان مثال، فرد معاون به مرتکب وعده دهد در صورتی که جرم سرقت، مرتکب شود، وی با قدرتی که دارد، مانع از تعقیب وی می‌شود؛ در نتیجه، مرتکب دست به سرقت می‌زند.

۲- بر بزه‌دیده تأثیرگذار باشد: به عنوان مثال، فردی می‌داند «الف» در صدد قتل «ب» است، نزد «ب» می‌رود و او را به بهانه‌ی گردش از منزل، بیرون می‌آورد و باعث قتل «ب» توسط «الف» می‌شود؛ در این مورد، معاونت محقق شده است.

**نکته ۷-** سوءاستفاده از قدرت: به معنای استفاده‌ی ناروا و خلاف قانون از مقام و موقعیت اجتماعی می‌باشد، که این موقعیت به دو صورت تحصیل می‌شود:

۱- به واسطه‌ی شغل و سمت دولتی: به عنوان مثال، مدیر شرکت دولتی به یکی از کارمندان خود سفارش می‌کند که در محضر دادگاه به عنوان شاهد در حمایت از متهم، شهادت دهد (شهادت کذب)، کارمند نیز این کار را انجام دهد. از آنجایی که شهادت دروغ بر مبنای ماده‌ی ۶۵۰ قانون تعزیرات، جرم می‌باشد، معاونت در جرم محقق شده است.

۲- به واسطه‌ی روابط خاص اجتماعی: مانند رابطه‌ی پدر و فرزند.

**نکته ۸-** تهیه یا ساخت وسایل ارتکاب جرم: وسایل ارتکاب جرم می‌تواند از اموال منقول مانند چاقو یا از اموال غیرمنقول مانند خانه باشد، که در این مورد، برای تحقق معاونت، شروط زیر لازم است:

۱- علم و اطلاع معاون: بنابراین در صورتی که فرد بدون علم و اطلاع، وسایلی در اختیار مجرم قرار دهد که مجرم آن‌ها را در ارتکاب جرم به کار برد، چنین شخصی به دلیل عدم علم، معاون نیست.

۲- استفاده مباشر از وسایل معاون: برای تحقق معاونت، ضروری است که مباشر از وسایلی که معاون در اختیار او قرار داده، در ارتکاب جرم استفاده نماید، در غیر این صورت، معاونت محقق نمی‌شود.

۳- مؤثر بودن وسیله برای ارتکاب جرم: در صورتی که مباشر از وسیله‌ی ارائه شده استفاده نماید، اما آن وسیله هیچ نقشی در تحقق جرم نداشته باشد، معاونت محقق نمی‌شود. به عنوان مثال، مباشر با چاقویی که معاون در اختیارش قرار داده، ضرباتی به مجنی‌علیه وارد می‌کند، اما قتل در نتیجه‌ی اصابت گلوله اتفاق می‌افتد. در این مورد، ارائه‌دهنده‌ی چاقو، معاون در قتل نیست، بلکه فقط معاون در ضرب و جرح می‌باشد.

نکته ۹- ارائه طریق ارتکاب جرم: مقصود آن است که فردی با وجود علم به قصد مجرمانه‌ی دیگری، راه و روش ارتکاب جرم را نشان می‌دهد. به عنوان مثال، نحوه‌ی باز کردن در را به سارق آموزش دهد یا نحوه‌ی از کار انداختن زنگ خطر یا نحوه‌ی ورود به منزل دیگری یا نحوه‌ی استفاده از اسلحه برای تیراندازی به سمت کسی را آموزش دهد.

نکته ۱۰- تسهیل وقوع جرم: مقصود، اعمالی است که وقوع جرم را، خواه با مساعدت در ارتکاب، خواه با برداشتن موانع، ممکن گرداند. به عنوان مثال، کسی هنگام سرقت در بیرون از منزل نگرهبانی دهد تا در صورت رسیدن پلیس، سارقین را مطلع نماید، یا کسی که با پرت کردن حواس مردم، به هر نحو به سارق در جیب‌بری کمک می‌کند، یا کسی که دیگری را به منزل خود دعوت می‌کند تا قاتل، او را به قتل برساند، همگی معاون در جرم می‌باشند.

برای اینکه تسهیل در وقوع جرم، معاونت محسوب شود، وجود دو شرط، الزامی است:

۱- علم و اطلاع معاون

۲- عمل معاون، رابطه‌ی مستقیم با وقوع جرم داشته باشد: به عنوان مثال، فردی که با علم به اینکه دیگری در صدد سرقت است، قرص مسکنی به او می‌دهد و این عمل باعث رفع سردرد او می‌شود و موجب تحقق سرقت می‌شود، معاونت نمی‌باشد.

(اردبیلی، همان، ج ۲، ص ۱۰۸-۹۸؛ گلدوزیان، همان، ص ۲۲۶-۲۱۸؛ شمس ناتری، همان، ص ۳۰۲-۲۹۶؛ صناعی، ص ۵۸۰-۵۷۴)

نکته ۱۱- بر مبنای تبصره‌ی ماده‌ی ۱۲۶ ق.م.ا که بیان داشته: «وحدت قصد»، باید گفت که معاونت، فقط در جرایم عمدی قابل تحقق می‌باشد. همچنین وحدت قصد، این نیست که بین معاون و مباشر جرم اصلی، لزوماً توافق پیشینی بر ارتکاب جرم پدید آمده باشد، بلکه همین اندازه که معاون، مباشر جرم اصلی را قاصد بداند و یا او را قاصد بسازد و در جهت تحقق این قصد، او را یاری کند، وحدت قصد میان این دو به وجود آمده است. به عنوان مثال، اگر ناظری در اثنای دعوا بین دو نفر، چاقویی در دست یکی از طرفین دعوا بگذارد که دیگری را با این وسیله مجروح کند، عمل او معاونت در ایراد ضرب و جرح محسوب می‌شود، حتی اگر پیش از آن، هرگز ضارب را ندیده و نشناخته باشد. (اردبیلی، همان، ج ۲، ص ۱۱۳) بر مبنای این تبصره، اعمال مادی معاونت باید مقدم بر وقوع جرم یا هم‌زمان با ارتکاب جرم صورت گیرند، که در این مورد، در مباحث قبل، توضیحاتی ارائه شد.

نکته ۱۲- در رابطه با وحدت قصد میان مباشر جرم و معاون و خروج مباشر از توافق، چند حالت وجود دارد:

۱- مباشر، جرمی متفاوت از آنچه مورد توافق بوده، انجام دهد: معاونت محقق نمی‌شود؛ به عنوان مثال، معاون به قصد سرقت، کمک کند، ولی مباشر، مرتکب قتل شود.

۲- مباشر جرم، آنچه را که مورد توافق با معاون بوده، انجام دهد، اما کیفیت مشدده‌ای با عمل ارتكابی همراه است: معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود (قسمت اخیر تبصره). به عنوان مثال، توافق بر سرقت ساده و انجام سرقت مشدده توسط مرتکب (مقرون به آزار)

- ۳- معاون در عمل نامعلومی معاونت می‌کند: معاونت محقق شده؛ به عنوان مثال، معاون به طور کلی می‌گوید: انتقام من را بگیر، که در این صورت، دیگری را تحریک به انجام جرم کرده است، اما در مورد نحوه‌ی اجرا و زمان عمل، علم ندارد.
- ۴- جرم موردنظر به وقوع می‌پیوندد، ولی با کیفیتی متفاوت‌تر: معاونت محقق می‌شود؛ مانند اینکه معاون، مباشر را تحریک می‌کند که شخص را با گلوله به قتل برساند، اما وی شخص را با چاقو می‌کشد. (اردبیلی، همان، ج ۲، ص ۱۱۵-۱۱۳)

ماده ۱۲۷ ق.م.ا: «در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است: الف) در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها، سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه. ب) در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، حبس تعزیری درجه پنج یا شش. پ) در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها، شلاق حدی است، سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش. ت) در جرایم موجب تعزیر یک تا دو، درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی.

تبصره ۱- در مورد بند «ت» این ماده، مجازات معاون، از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است، مگر در مورد مصادره اموال، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت، که مجازات معاون به ترتیب، جزای نقدی درجه چهار، شش و هفت است.

تبصره ۲- در صورتی که به هر علت، قصاص نفس یا عضو اجرا نشود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند «ت» این ماده اعمال می‌شود.

- نکته ۱-** این ماده، مجازات معاون را تعیین نموده است، که بر اساس این ماده، باید به صورت زیر عمل نمود:
- ۱-۱. در صورتی که برای معاونت در جرم، مجازات خاصی در شرع تعیین شده باشد، باید همان مجازات را اجرا نمود، که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
- ممسک: یعنی کسی که شخصی را نگه می‌دارد تا دیگری او را بکشد ← بر اساس شرع، مجازات حبس ابد اعمال می‌شود.
  - طلیع: کسی که دیده‌بانی کرده و از وضعیت راه‌ها و مسیر حرکت کاروان‌ها خبر می‌گیرد و اطلاعات خود را به راهزنان می‌دهد ← مجازات کور کردن اعمال می‌شود.
  - رده: کسی که در ضبط و حمل و نگهداری اموال کاروانیان به راهزنان کمک می‌کند ← مجازات تعزیری اعمال می‌شود.
- ۱-۲. در صورتی که برای معاونت در جرمی، مجازات خاصی در قانون تعیین شده باشد، باید همان مجازات را اجرا نمود؛ به عنوان مثال، مجازات معاونت از طریق تهیه‌ی مکان در جرم بازداشت غیرقانونی مذکور در ماده‌ی ۵۸۴ قانون تعزیرات.
- ۱-۳. در صورتی که در قانون یا شرع، مجازات خاصی برای معاون تعیین نشده باشد، بر اساس ماده‌ی ۱۲۷ ق.م.ا عمل می‌شود.
- نکته ۲-** ملاک برای تعیین مجازات معاون، مجازات قانونی جرایم ارتكابی توسط مباشر می‌باشد و نه مجازات قضایی. بنابراین برای مجازات نمودن فردی به جرم معاونت در جرمی، باید دید مجازات قانونی آن جرم چه مقدار می‌باشد؛ هرچند مجازات مذکور در دادنامه برای مباشر، مورد عفو خصوصی و یا تخفیف قرار گرفته باشد.
- نکته ۳-** سرقت حدی مذکور در بند «ب» این ماده، به صورت مطلق بیان شده است. بنابراین در هر مرحله‌ای که باشد و مباشر به هر مجازاتی که محکوم شود (بر مبنای ماده‌ی ۲۷۸ ق.م.ا) در هر صورت، مجازات معاون، حبس تعزیری درجه‌ی ۵ یا ۶ خواهد بود.
- نکته ۴-** تبصره‌ی ۱ ماده‌ی مذکور در جرم تعزیری، مجازات معاون را از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی بیان نموده است؛ یعنی در صورتی که مجازات مباشر، حبس باشد، مجازات معاون نیز حبس خواهد بود. به عنوان مثال، در صورتی که مجازات قانونی جرمی، حبس تعزیری درجه‌ی ۳ باشد، مجازات معاونت در آن جرم نیز حبس تعزیری درجه‌ی ۴ یا ۵ خواهد بود. استثنایی که در این مورد وجود دارد، مصادره اموال، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت می‌باشد که مجازات معاونت در جرمی که مجازات قانونی آن، مصادره‌ی اموال باشد، جزای نقدی درجه‌ی ۴ و در مورد انفصال دائم، جزای نقدی درجه‌ی ۶ و نسبت به انتشار حکم محکومیت، جزای نقدی درجه‌ی ۷ خواهد بود.

**نکته ۵-** در مواردی که قصاص نفس یا عضو به دلیل گذشت شاکی یا هر علت دیگری نسبت به مباشر اجرا نشود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، یک تا دو درجه پایین تر خواهد بود، که به نظر می‌رسد تبصره‌ی ۲ این ماده، تبصره‌ی ماده‌ی ۶۱۲ ق.م.ا تعزیرات که مجازات معاونت در قتل عمد را حبس از ۱ تا ۵ سال پیش‌بینی کرده بود، **نسخ ضمنی نموده است.**

ماده ۱۲۸ ق.م.ا: «هر کس از فرد نابالغ به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود، استفاده نماید، به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌گردد. همچنین هر کس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی معاونت کند، به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود.»

**نکته ۱-** هر چند این ماده، «نابالغ» را به صورت مطلق بیان نموده است و تفکیکی میان صغیر ممیز و غیرممیز نداشته است، لذا از آنجایی که صدر ماده، عبارت «به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده نماید» را بیان نموده، می‌توان چنین گفت که: این قسمت از ماده، **نابالغ غیرممیز** را بیان می‌کند و شامل صغیر ممیز نمی‌شود؛ چرا که صغیر ممیز، دارای اراده می‌باشد و نمی‌توان از وی به عنوان وسیله استفاده کرد (زراعت، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، ص ۳۲۳؛ توجهی، مباحث کلاسی)، مگر اینکه نابالغ ممیز به دلایلی مانند اکراه یا جهل، در حکم وسیله باشد، که در این صورت، مشمول ماده می‌باشد.

**نکته ۲-** در این مورد، ماده‌ی ۲۷۲ ق.م.ا بیان می‌دارد: «هرگاه کسی مال را توسط مجنون، طفل غیرممیز، حیوان یا هر وسیله‌ی بی‌اراده‌ای از حرز خارج کند، مباشر محسوب می‌شود و در صورتی که مباشر، طفل ممیز باشد، رفتار آمر حسب مورد، مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری می‌باشد.» که در این مورد باید گفت: حکم قسمت دوم ماده ۱۲۸ ق.م.ا (معاونت در جرم ارتكابی توسط نابالغ) در مورد سرقت حدی اجرا نمی‌شود و در این مورد، آمر به مجازات سرقت تعزیری محکوم می‌شود (نه حداکثر مجازات معاونت در سرقت حدی).

**نکته ۳-** در قسمت دوم ماده ۱۲۸ ق.م.ا، نابالغ، اعم از صغیر ممیز و صغیر غیرممیز می‌باشد و معاونت در اینجا شامل مواردی از قبیل: ارائه طریق، تسهیل وقوع جرم، تهیه وسایل ارتکاب جرم و ... می‌باشد. به عنوان مثال، حامد (۱۴ ساله) قصد ربودن دوچرخه دوستش را دارد، لیکن دوچرخه با قفل و زنجیر به لوله گاز بسته شده است. جمشید (۲۰ ساله) دوست حامد، با استفاده از ابزار خاص، قفل را باز می‌کند تا حامد بتواند دوچرخه را برآید. بدیهی است عمل جمشید، تسهیل وقوع جرم سرقت و از مصادیق معاونت است و بر اساس قسمت اخیر ماده، به حداکثر مجازات معاونت در سرقت مربوطه محکوم می‌شود. (شمس ناتری، همان، ص ۳۱۵-۳۱۴)

ماده ۱۲۹ ق.م.ا: «هرگاه در ارتکاب رفتار مجرمانه، مرتکب به جهتی از جهات شخصی مانند صغر و جنون، قابل تعقیب نباشد یا تعقیب یا اجرای مجازات او به جهتی از این جهات، موقوف گردد، تأثیری در تعقیب و مجازات معاون جرم ندارد.»

**نکته ۱-** منظور از جهات مذکور در این ماده، اوصافی هستند که کاملاً جنبه شخصی دارند و فقط در مرتکب اصلی جرم، جمع است، که این موارد عبارتند از:

۱-۱. اسباب رافع مسئولیت کیفری: در این مورد، جرم به صورت کامل (همه‌ی عناصر سه‌گانه) محقق می‌یابد، ولی به دلیل وجود حالت یا شرایط خاص در مجرم، مقنن، جرم ارتكابی را به او قابل انتساب ندانسته و او را از مجازات معاف می‌کند. این جهات عبارتند از: صغر، جنون، اکراه، اشتباه، مستی، اجبار، خواب و بی‌هوشی.

در مقابل جهات شخصی، جهات عینی (علل موجهه جرم) قرار دارند، که در این مورد، عنصر قانونی زایل می‌شود و عمل، دیگر جرم نیست. مصادیق جهات عینی عبارتند از: دفاع مشروع، اضطرار، امر آمر قانونی، حکم قانون، اجازه قانون، اجرای قانون اهم و رضایت مجنی‌علیه که قبلاً به تفصیل به این موضوع پرداختیم. همان گونه که ذیل این ماده بیان شده است، در صورت عدم تعقیب مرتکب به دلیل وجود اسباب رافع مسئولیت کیفری (جهات شخصی)، تأثیری در تعقیب و مجازات معاون جرم ندارد و معاون جرم، تحت تعقیب و به تبع آن، تحت محاکمه و مجازات قرار خواهد گرفت، در حالی که در جهات عینی، معاون نیز مانند



مرتکب، تحت تعقیب و مجازات قرار نخواهد گرفت؛ چرا که همان‌گونه که بیان نمودیم، این جهات، عنصر قانونی جرم را زایل می‌کنند و عمل، دیگر جرم نمی‌باشد.

۱-۲. معاذیر قانونی معاف‌کننده: مانند: عذر همکاری (مواد ۵۰۷ و ۵۳۱ قانون تعزیرات)، عذر توبه (مواد ۱۱۹-۱۱۴ ق.م.ا و تبصره ماده ۵۱۲ قانون تعزیرات)، عذر ندامت و عذر اطاعت از مافوق (م ۵۸۰ ق.تعزیرات). این موارد نیز موجب معافیت از مجازات مرتکب اصلی (در صورت دارا بودن این موارد) می‌شوند و تأثیری در حق معاون ندارند.

۱-۳. مصونیت‌ها: برخی موارد موقوفی تعقیب و یا سقوط مجازات (مانند: فوت متهم یا محکوم‌علیه و مرور زمان) نیز بر تعقیب و مجازات معاون جرم، تأثیری ندارند.

۱-۴. عفو: در این مورد باید قائل به تفکیک شد، به این صورت که اگر عفو عمومی باشد، این عفو در حق معاون نیز قابل پذیرش است و در نتیجه، معاون نیز قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود، ولی اگر عفو خصوصی باشد، تأثیری بر وضع معاونان جرم نخواهد داشت؛ چرا که در این نوع عفو، محکومان به جهات شخصی مانند حسن رفتار و اخلاق در مدت محکومیت، مشمول عفو قرار می‌گیرند که ممکن است این جهات در معاون وجود نداشته باشند. (اردبیلی، همان، ج ۲، ص ۹۸-۹۷؛ گلدوزیان، همان، ص ۲۱۶-۲۱۵؛ صانعی، همان، ص ۵۶۶-۵۶۳)

نکته ۲- در صورتی که مرتکب اصلی، مشمول کیفیات مخففه قرار گیرد، این امر تأثیری بر میزان مجازات معاون ندارد.